

فَاتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ

◆ مهدی یاقوتیان

دبیر دبیرستان های مشهد

بدین ترتیب است :

۱. بسورة من مثله
۲. بسورة مثله
۳. بعشر سور مثله
۴. بمثل هذا القرآن
۵. بحديث مثله

۱. هر چه مخاطب قرآن جلوتر می رود، تحدی سخت تر می شود. در سوره ی بقره که ابتدای قرآن است و تنها یک سوره ی کوتاه کامل- سوره ی حمد- در اختیار مخاطب قرار گرفته، تحدی به «سورة من مثله» است.

۲. کلمه ی «من» که تبعیض را می رساند، یعنی یک سوره از قرآن که در بعضی جنبه ها مثل قرآن باشد [با الهام از؛ پرتوی از قرآن، ۱/ ۸۹] اما وقتی مخاطب قرآن با آیه ها و سوره های متعدد مواجه شد و قانع نشد، در سوره ی یونس عنوان شده است که باید یک سوره مثل قرآن بیاورد؛ یعنی در همه ی جنبه ها مثل آن باشد.

۳. به محض این که ده سوره ی کامل در اختیار مخاطب قرار گرفت، در سوره ی هود، یازدهمین سوره ی قرآن، مخاطبی که قانع نشده باشد، باید ده سوره مثل قرآن بیاورد. جالب این جاست که تازمانی که ده سوره در اختیار مخاطب قرار نگرفته، از او ده سوره به عنوان تحدی نخواسته است.

۴. در مرحله ی بعد، تحدی به «مثل هذا القرآن» است. یعنی مخاطب قرآن باید یک قرآن «مثل این قرآن» بیاورد. اسم اشاره ی «هذا» به همه ی قرآن اشاره دارد.

۵. در آخرین مرحله، این تحدی سخت تر شده و دو شرط گذاشته است: اولاً باید حدیث- تازه، نو- باشد. ثانیاً مثل قرآن باشد. یعنی علاوه بر این که مثل قرآن باشد،

آیا پیامبر گرامی از جانب خداوند واقف و آگاه شد که آیه ها و سوره های قرآن را بدین گونه که هست مرتب کند، یا آن حضرت (یا احتمالاً دیگران) با اجتهاد خود، موفق شدند قرآن را این گونه مرتب و مدون کنند.

بحث توفیقی یا توفیقی (اجتهادی) بودن ترتیب و تدوین سور، در میان قرآن پژوهان دامن گستر است، اما مبنای این مقاله، توفیقی بودن ترتیب و تدوین آیه ها و سوره های قرآن است. یعنی همان گونه که آیه ها و سوره های قرآن بر پیامبر گرامی وحی می شدند، ترتیب و چینش آن ها نیز وحیانی بوده است.

آیات تحدی

۱. و ان كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائكم من دون الله ان كنتم صادقين . فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار الّتی وقودها الناس و الحجارة اعدت للكافرين . (بقره، ۲۳/۲-۲۴)

۲. ام یقولون افتریه، قل فاتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين . (یونس، ۳۸/۱۰)


۳. ام یقولون افتریه قل فاتوا بعشر سور مثله مقتربات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين . (هود، ۱۱/۱۳)

۴. قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهیراً . (اسراء، ۸۸/۱۷)

۵. ام یقولون تقوله بل لا یؤمنون فلیأتوا بحدیث مثله ان كانوا صادقين (طور، ۵۲/۳۳-۳۴)

ترتیب و مقدار تحدی

بر مبنای تدوین سوره های قرآن، مقدار تحدی



طراوت و تازگی دیگری هم داشته باشد تا شائبه‌ی تقلب و کپی برداری در آن نرود.

* خداوند کسانی را که به راحتی پذیرای امر حق نیستند، این گونه مبتلا می‌کند. در همان اولین سوره که تحدی به «سوره من مثله» شده است، خداوند داستان بنی اسرائیل را گوشزد می‌کند که با «بهانه‌های بنی اسرائیلی» برای ذبح گاو، فضا بر آن‌ها تنگ‌تر شده است. (با الهام از المیزان، ۱/ ۳۰۵ و ۳۰۸-۳۰۹)

چند نکته

در ابتدای سوره‌ی بقره عنوان شده است: «ذلک الکتاب لاریب فیہ، هدی للمتقین». اگر منظور از «کتاب» در این آیه قرآن باشد، می‌توان گفت: در بیست و سومین آیه‌ی آن نیز که آمده است: «و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا...» یعنی در قرآن ریبی نیست و هدایتگر متقین است، کسانی که ریب دارند، در مقام پاسخ تحدی برآیند تا عجز خود را باور کنند. سپس ایمان بیاورند.

یک پرسش

راستی، کسی که از آوردن سوره‌ای که از برخی جنبه‌ها مانند قرآن باشد ناتوان است، چگونه به آوردن یک سوره، بعد از سوره، سپس مثل قرآن و نهایتاً مثل قرآن، با قید حدیث بودن و تازگی داشتن، فراخوانده شده است؟

آیا این بدان جهت نیست که پارسایان در قرآن ریبی نداشته‌اند، بلکه با آن هدایت شده و به غیب ایمان آورده‌اند و آن‌هایی که ریبی دارند، در ابتدا خداوند به آن‌ها می‌گوید: و ان کتتم فی ریب... و لن تفعلوا... بعد از این دیگر بحث ریب نیست، بحث «لجبازی» و «عناد» و «افترا به پیامبر» است.

هدف نهایی این تحدی نه به منظور آوردن قرآن که اصلاً امکان‌پذیر نیست، بلکه واداشتن بیشتر به تلاش و درک ناتوانی خود در معارضه هدف است تا شاید با این «عصا» هدایت شوند و دست از «عصیان» بردارند و هم چون «سحری فرعون» به سجده افتند و به خداوند ایمان آورند.

چو بسی دید اندر آن غربت تعب
عاجز آمد آخر الامر از طلب
هیچ از مقصود اثر پیدا نشد
زان غرض غیر خیر پیدا نشد
رشته‌ی امید او بگسسته شد
جسته‌ی او عاقبت ناجسته شد
کرد عزم بازگشتن سوی «شاه»
اشک می‌بارید و می‌برید راه

(مثنوی، دفتر دوم، ابیات ۳۳۶۴ تا ۳۳۶۷)

منابع
۱. پرتوی از قرآن. سید محمود طالقانی. شرکت سهامی انتشار. چاپ چهارم. پاییز ۱۳۶۲. مجلد ۱، صفحه‌ی ۸۳، (من مثله؛ این جمله گذشت و مسامحه را می‌رساند که اگر از روی قرآن هم مثل آن آورید، پذیرفته است).

۲. تفسیر المیزان. محمدحسین طباطبایی. برگردان سید محمد باقر موسوی همدانی. دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم. زمستان ۱۳۷۴. مجلد اول. صفحه‌ی ۳۰۵ و ۳۰۸ تا ۳۰۹.

۳. مثنوی معنوی. جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی. به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش. چاپ چهارم. ۱۳۷۸. مجلد اول. صفحه‌ی ۳۲۶.

در اولین مرحله‌ی تحدی که مسئله‌ی «ریب داشتن» مطرح است، کسانی که مورد تحدی قرار گرفته‌اند، مخاطب خداوند هستند و به آن‌ها اعلام شده است که ابداً قادر به انجام این کار نیستند. «و ان کتتم فی ریب... و لن تفعلوا...»

اگر این مطلب مورد پذیرش آن‌ها قرار نگرفت و به جای رفع ریب خود، عناد ورزیدند و پیامبر را به «افترا» متهم کردند، مخاطب پیامبر قرار می‌گیرند. این مطلب سه بار مکرر است. اگر هنوز هم نپذیرفتند، فعل امر «قل» حذف می‌شود و شایستگی مخاطب پیامبر بودن را نیز از دست می‌دهند. پیامبر نیز عاجز بودن آن‌ها را یادآور می‌شود؛ هر چند پشتیبان یکدیگر باشند.

در آخرین مرحله، «افترا»ی آن‌ها به «تقول» تبدیل شده و سخن از این است که آن‌ها ایمان نمی‌آورند و مورد خطاب نیز قرار نگرفته‌اند.

در سه سوره از قرآن که مخاطب به جزئی از قرآن تحدی شده: سوره من مثله، سوره مثله، بعشر سور مثله، آغاز آن سوره‌ها با حروف مقطعه (الم، الر، الر) شروع شده است و با توجه به مجموع آیات هر سوره، آیات مربوط به تحدی در نیمه‌ی اول آن سوره آمده است.

نام سوره	تعداد کل آیات	آیه‌ی تحدی
بقره	۲۸۶ آیه	آیه‌ی ۲۳
یونس	۱۰۹ آیه	آیه‌ی ۳۸
هود	۱۲۳ آیه	آیه‌ی ۱۳

در دو سوره‌ی دیگر که مخاطب قرآن، به کل قرآن تحدی شده (بمثل هذا القرآن، بحدیث مثله) با توجه به مجموع آیات هر سوره، آیات مربوط به تحدی در نیمه‌ی دوم سوره آمده است.

نام سوره	تعداد کل آیات	آیه‌ی تحدی
اسراء	۱۱۱ آیه	آیه‌ی ۸۸
طور	۴۹ آیه	آیه‌ی ۳۴